

تأثیر تورم بر اقتصاد

دکتر کیا پارسا، مدیر کل حوزه ریاست و روابط عمومی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

ایران - جوان - دنیای اقتصاد - جهان اقتصاد - جهان صنعت

مهمترین تأثیر تورم بر توزیع درآمد و ثروت است. یکی از خصوصیات بارز پدیده تورم، عدم تناسب بین تغییر قیمت ها و درآمدهاست. بدین ترتیب که قیمت برخی از کالاها و درآمد برخی از طبقات و گروه های جامعه با آهنگی تند افزایش می یابد در صورتیکه این آهنگ برای قشرها و طبقات دیگر جامعه کند است. این عدم تناسب موجب می شود که درآمد حقیقی برخی افراد جامعه از جمله دارندگان درآمدهای متغیر چون تجار، مالکان اراضی و مستغلات و صاحبان حرفه ها و مشاغل آزاد افزایش یابد و در عوض افرادی که دارای درآمدهای ثابتی هستند، کاهش پیدا کند. البته تورم می تواند سبب دارایی عاملان اقتصادی را دگرگون سازد زیرا در اثر تورم، افراد و گروه ها تا حد امکان می کوشند دارایی نقدی خود را کاهش و در عوض سهم کالا و اموال غیرنقدی خود را افزایش دهند. بدین ترتیب مقدار زیادی از وقت، انرژی و منابع مالی مردم و عاملان اقتصادی به جای به کار افتادن در مسیر فعالیت های مفید و مولد اقتصادی صرف فعالیت هایی می شود که هدف از انجام آنها تطابق با شرایط تورمی و اجتناب از کاهش ارزش دارایی هاست که این امر به دلایل بازی یا معاملات سوداگرانه دامن می زند. از این رو می توان نتیجه گرفت، تورم حتی کارایی اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد. از دیگر آثار سوء تورم می توان به تأثیر آن بر پس انداز و نحوه مصرف مردم اشاره کرد. بر اثر کاهش ارزش پول ملی ناشی از افزایش نرخ تورم، تمام افرادی که سرمایه نقدی خود را به صورت پس انداز نگهداری می کنند متضرر خواهند شد که این امر بر تمایل افراد به پس انداز اثر منفی دارد و همانطور که ذکر شد، در شرایط تورمی میل به کالاهای بادوام و سرمایه ای مانند زمین و مسکن افزایش پیدا خواهد کرد که می تواند نوع مصرف را تحت تأثیر قرار دهد.

اثر دیگر تورم، تأثیر آن بر تصمیم گیری بنگاه های اقتصادی است به طوریکه این موضوع می تواند عاملان اقتصادی را در تصمیم گیری خود دچار بلاتکلیفی کند زیرا وجود تورم، بنگاه های اقتصادی را در زمینه برآورد درآمد و هزینه، با دشواری مواجه می کند.

تأثیر بعدی تورم را می توان در هزینه های جاری دولت مشاهده کرد. زیرا دولت خود مصرف کننده است و از سوی دیگر باید حقوق کارمندان خود را بپردازد. در شرایط تورمی دولت مجبور است حقوق

کارمندان خود را افزایش دهد. البته نباید فراموش کرد وجود تورم می تواند درآمدهای دولت را نیز از طریق مالیات افزایش دهد.

از دیگر آثار تورم، تاثیر آن بر بازرگانی خارجی است. بطوریکه تورم در بیشتر مواقع موجب اختلال در موازنه پرداخت ها می شود زیرا از یک سو به دلیل افزایش قیمت ها در داخل، میزان صادرات کاهش و از سوی دیگر مقدار واردات افزایش می یابد. در این زمینه باید یادآوری کرد که اگر تورم در ایران از تورم کشورهای که با کشورمان مبادلات وسیع تجاری دارند بیشتر باشد، آنگاه کالاهای ساخت ایران برای این کشورها گران تر خواهد شد در نتیجه صادرات کشورمان کاهش می یابد و از سوی دیگر در این شرایط کالاهای ساخت کشورهای خارجی برای مصرف کننده ایرانی ارزان تر خواهد شد و واردات کالا به کشور افزایش خواهد یافت که آثار چنین پدیده ای تاثیر بر تراز پرداخت هاست و در صورت کمبود منابع درآمدی می تواند به کسری تراز بازرگانی منجر شود.

راهکارهای کنترل تورم در ایران

به منظور ارایه راهکارهای مهار تورم در اقتصاد ایران، ابتدا باید شناخت دقیقی از دلایل بروز تورم در کشور داشت. بر اساس بررسی های انجام شده راهکارهای مهار تورم را می توان به اقدامات بلند مدت و بنیادی، سیاست های میان مدت و کوتاه مدت تقسیم کرد.

در تدوین اقدامات بلند مدت و بنیادی برای مهار تورم باید مباحث مربوط به نهادسازی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توسعه دانش و فناوری، تقویت فرهنگ کار و تلاش، افزایش بهره وری و توان تولید جامعه و بهبود ساختار دولت از نظر اندازه و ترکیب فعالیت ها و مدیریت مورد توجه قرار گیرد.

از جمله سیاست های میان مدت کنترل تورم می توان به انضباط و هماهنگی سیاست های پولی، مالی، ارزی و تجاری، سیاست های تشویقی سرمایه گذاری، خصوصی سازی، اصلاح قوانین و مقررات، اصلاح نظام یارانه ها و قیمت گذاری اشاره کرد.

در اتخاذ سیاست های کوتاه مدت پیشگیری از تورم، باید اقدامات نظارتی و مداخله گرانه از جمله نظارت بر قیمت ها و توزیع کالاها و خدمات، تثبیت و کنترل قیمت های کلیدی از قبیل نرخ ارز و قیمت های پیشرو، سیاست های ذخیره سازی و تنظیم بازار کالاها و خدمات مدنظر قرار داد.

